

متن پرسش

سلام: ۱- علت و دلیل و یا دلایل انکار و یا شک در حقایق و واقعیات توسط برخی مانند سوفیسط ها و بعضی از فلاسفه غرب چیست؟ چرا این گروه به اینجا رسیدند که حقایق و واقعیات واضح و روشن را انکار می کردند و یا در آن شک می کردند؟ ۲- آیا به دلیل گناه و معاصی و رذایل و انجام اعمال حیوانی و حيله های شیطانی قلوب آنها محبوب شده و آن صفات رزيلة برای آنها ملکه شده و شخصیت آنها سفسطه و جدال و جهل و خیالات باطله شده در نتیجه حقایق بر جانیشان نمی رسد و به دلیل منش و شخصیت آنها که به واسطه رزائل پست شده راهها و درهای درون و بیرون بر آنها بسته شده یعنی هم قلب و عقل که محل فهم الهی و الهام ربانیست بسته شده و هم حواس یعنی سمع و بصر که راههای عظیم فهم از طریق بیرون است برای آنها بسته شده، بخصوص که قلب آنها مهر شده و به سفسطه کشیده شده اند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- اگر کسی در حس متوقف شود حتماً کارش به شک می کشد ۲- عموماً این طور است. بالاخره باید برای ادراک حقایق، خود را گرفتار لذت های مادی نکند. موفق باشید